

# الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران<sup>۱</sup>

لaleh.jamshidi<sup>۲</sup>

حمیدرضا آرامشته<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۷

## چکلیده

با اذعان به رشد کمی خصوصی سازی آموزش عالی در کشور طی سال های اخیر، این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی در صورتی از موفقیت برخوردار خواهد بود که همگام با رشد کمی به رشد و توسعه کیفی این پدیده نیز توجه لازم صورت گیرد. از این‌رو، این پژوهش با هدف شناسایی الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران انجام شد. روش این پژوهش، آمیخته اکتشافی بود. در این پژوهش، ۴۸ الزام کلان در ۷ بعد اصلی شناسایی شد. نمونه این پژوهش مشتمل بر ۱۰۳ نفر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و دست اندرکاران مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی بود. از دیدگاه این افراد، تمامی الزامات شناسایی شده از اهمیت متوسط به بالا در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی برخوردار بودند و لیکن آن الزاماتی که از اهمیت بالایی برخوردار بودند در شرایط موجود خصوصی سازی آموزش عالی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

## واژگان کلیدی:

خصوصی سازی آموزش عالی، سطح کلان، الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی

<sup>۱</sup>. این مقاله مستخرج از بخشی از رساله دکتری می باشد

<sup>۲</sup>. استادیار دانشگاه سمنان laleh.jamshidi@yahoo.com

<sup>۳</sup>. دانشیار دانشگاه خوارزمی heplanning@yahoo.com

**مقدمه**

با توجه به روند خصوصی‌سازی در جهان و پدیده جهانی شدن و تأکید سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی همچون بانک جهانی<sup>۱</sup> و دیگر مراکز بین‌المللی فعال در حوزه آموزش عالی همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup>، یونسکو<sup>۳</sup>، برنامه پژوهش در آموزش عالی خصوصی<sup>۴</sup>، مرکز دانشگاه بostون برای آموزش عالی بین‌المللی<sup>۵</sup> و مؤسسه مالی بین‌المللی<sup>۶</sup> بر رشد و توسعه آموزش عالی در عصر جهانی شدن و رشد اقتصاد مبتنی بر دانش و تأکید بر خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشورهای مختلف، ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، ناگزیر از همسویی با تغییرات و تحولات جهانی در حوزه آموزش عالی است. آموزش و پرورش در کشور بر اساس اصل ۳۰ قانون اساسی رایگان است و درباره آموزش عالی نیز عنوان شده است که باید در حد توان و امکانات، توسط دولت گسترش داده و حمایت شود. اما به لحاظ اینکه تقاضای آموزش عالی نسبت به امکانات و مقدورات دولت تناسب ندارد و تقاضاً بیشتر از امکانات و بودجه است، طبیعی است که در برنامه پنجم توسعه اجازه داده می‌شود تا یک بخش مازاد بر امکانات و ظرفیت‌های نظام با مشارکت بخش خصوصی بر اساس واگذاری انجام شود. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی در ایران دچار بحران‌ها و مشکلات عدیدهای بوده است و این فرآیند جهانی به گونه‌ای ناقص، غیرعلمی و غیرهدفمند به اجرا درآمده است و برنامه‌ریزی و ساختاری منسجم برای این پدیده و همگامی با کشورهای موفق در این زمینه در کشور، منظور نشده است و با توجه به وجود غیرقابل انکار و قابل توجه آموزش عالی خصوصی در کشور و با اذعان به اینکه زمانی که دولت از نقش خود در ارائه خدمات آموزش عالی رایگان می‌کاهد و افراد مقاضی ورود به آموزش عالی ناچار به تأمین هزینه‌های آموزشی خود هستند، این بخش باید به ارائه خدمات باکیفیت قابل قبول و در خور نظام آموزش عالی و افراد مشغول به تحصیل در آموزش عالی کشور، نامهانگی بین رشد کمی و کیفی این تحول در نظام آموزش عالی کشور به خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، نامهانگی بین رشد کمی و کیفی این تحول در نظام آموزش عالی کشور است. طی دهه‌های اخیر، این بخش متناسب با رشد کمی آموزش عالی خصوصی با موانع و تنگکاهایی مواجه بوده است که برای تحقق عملکرد باکیفیت قابل قبول، حداقل معادل با دانشگاه‌های دولتی تراز اول کشور، نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق از جانب دولت و سیاستگذاران نظام آموزش عالی کشور می‌باشد.

<sup>1</sup>. World Bank<sup>2</sup>. Organization for Economic Cooperation and Development(OECD)<sup>3</sup>. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization(UNESCO)<sup>4</sup>. Program for Research on Private Higher Education(PROPHE)<sup>5</sup>. Boston College's Center for International Higher Education(CIHE)<sup>6</sup>. International Finance Corporation(IFC)

ایران نیز در راستای همگامی با پدیده جهانی شدن و تبدیل به جامعه دانش بنیان شدن، توسعه آموزش عالی را در اولویت تمامی برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان خود قرار داده است. با توجه به تقاضای روزافزون برای این نهاد اصلی توسعه و مولد سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مورد نیاز برای تحقق توسعه همه جانبی کشور و ناتوانی دولت در تأمین اعتبارات لازم به منظور توسعه این بخش، طی دهه‌ای اخیر اقدام به خصوصی- سازی آموزش عالی کرده است که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلام‌تچوا دارد<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، لوی و زاما<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، تیلاک<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، بل菲尔د و لوین<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) این خصوصی‌سازی به دو صورت ۱) رشد خصوصی‌سازی در آموزش عالی بخش دولتی و ۲) رشد بخش خصوصی در آموزش عالی صورت پذیرفته است. ترکیب بخش خصوصی و دولتی در نظام آموزش عالی کشور بر اساس برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص رشد کمی آموزش عالی و با توجه به اینکه بخش خصوصی آموزش عالی سهم بیشتری از ثبت‌نام‌ها را به خود اختصاص داده است، مبتنی بر الگوی گیجراز حالت "بخش خصوصی گسترده"<sup>۵</sup> و مبتنی بر الگوی لوی از حالت "نظام خصوصی اکثرب" پیروی می‌کند. در این پژوهش، بر اساس مرور نظریه‌های مختلف تأثیرگذار بر رشد اهمیت آموزش عالی در بین افراد و جوامع و در نتیجه لزوم توسعه این بخش و با توجه به محلودیت- های مالی و اعتباراتی دولت در تأمین هزینه‌های تمام و کمال این توسعه گریزناپذیر در عصر جهانی شدن و اقتصاد مبتنی بر دانش و رشد تقاضای اجتماعی روزافزون برای ورود به آموزش عالی و در نتیجه ظهر و رشد خصوصی‌سازی آموزش عالی طی دهه‌های اخیر، برآینم که به شناسابی الزامات و پیش‌بایست‌های کلان مورد نیاز برای رشد کیفی هدفمند و برنامه‌ریزی شده و بهبود عملکرد آموزش عالی خصوصی و ارائه خدمات باکیفیت بالا و در خور آموزش عالی کشور و افرادی که از طریق مشارکت در تأمین هزینه‌های آموزش عالی خود در این بخش مشغول به تحصیل هستند، پرداخته شود. در این پژوهش، مظور از الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، آن دسته از پیش‌بایست‌ها و پیش‌نیازهایی است که در سطح دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و متولیان امر خصوصی‌سازی آموزش عالی می‌بایست مد نظر قرار گیرد تا این طریق به توسعه کیفی فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی در کنار رشد و توسعه کمی این فرآیند پرداخته شود. بنابراین سؤالاتی که در این مقاله در صدد پاسخگویی به آن بوده‌ایم، عبارتند از:

<sup>1</sup>. Slantcheva-Durst

<sup>2</sup>. Levy & Zumeta

<sup>3</sup>. Belfield & Levin

<sup>4</sup>. Mass Private Sector

<sup>5</sup>. Majority Private

(۱) الزامات کلان(در سطح دولت و نظام آموزش عالی)، توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟

(۲) راهکارهای اجرایی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خصوصی‌سازی اصول بازار را در سازماندهی و مدیریت فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی به کار می‌گیرد. معیارهای خصوصی‌سازی برای آگاه‌سازی مؤسسات از هزینه‌ها و مدیریت کارآمدتر خود، استفاده می‌شود. مؤسسات به جای وابسته بودن به اعتبارات دولتی به دنبال منابع جایگزین دیگر برای تأمین اعتبار هستند. مالکیت دولتی باقی بماند. الگوهای خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. این ممکن است در اختیار مقامات دولتی باقی بماند. الغوهای خصوصی‌سازی در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. این ممکن است به معنای متکی بودن به اعتبارات دولتی محدود و اعتبارات غیردولتی قابل توجه در برخی از کشورها و یا حمایت مالی قابل توجه دولت و اعتبارات غیردولتی محدود در دیگر کشورها باشد(وارقسه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

خصوصی‌سازی آموزش عالی را می‌توان به عنوان انتقال مالکیت، مدیریت یا تأمین اعتبارات مؤسسات آموزش عالی دولتی به بخش خصوصی و افزایش نقش و مشارکت مردم در تأمین هزینه‌های آموزش عالی، با اتخاذ ویژگی‌ها، هنجارهای عملیاتی و شیوه‌های مدیریتی بخش خصوصی و اصول بازار و با بکارگیری منابع پیشتر مالی و مادی و استفاده اثربخش‌تر از منابع به منظور پاسخگویی و ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی بهتر، انعطاف‌پذیرتر و باکیفیت بالاتر به تقاضای مازاد و متنوع برای آموزش عالی که خارج از توان بخش دولتی می‌باشد، تعریف کرد.

برخی از افراد بر این باورند که دولت توان لازم برای گسترش بیشتر نظام آموزش عالی و افزایش فرصت‌های آموزشی برای همه افراد را دارد، در حالی که گروهی دیگر از افراد به شدت بر این باورند که وضعیت منابع و اعتبارات، به دولتها اجازه گسترش بیشتر آموزش عالی دولتی را نخواهد داد. آنها حتی بر این باورند که یارانه‌ها و اعتبارات دولتی برای آموزش عالی اگر به طور کامل حذف نشود، به شدت کاهش خواهد یافت. بر اساس نظر بانک جهانی و در چارچوب رویکردهای نولیرال کنونی، هنوز یک مکتب فکری قوی دیگر وجود دارد که اعتقاد دارند حتی اگر دولتها منابع لازم را داشته باشند، این یک طرح کارآمد برای آنها نیست که آموزش عالی دولتی را گسترش دهن، در عرض، خصوصی‌سازی آموزش یک شیوه اثربخش برای افزایش دسترسی به

<sup>۱</sup>. Varghese

آموزش، برابری و کیفیت در آموزش است به علاوه اینکه مشکلات کمبود منابع دولت را پوشش می‌دهد (تیلاک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش تام<sup>۲</sup> با عنوان «بررسی دسترسی و برابری در آموزش عالی خصوصی مالزی» که در سال ۲۰۱۱ انجام شد، نشان داد که مؤسسات آموزش عالی خصوصی به منظور مکمل بخش دولتی به دلیل محدودیت‌های مالی پیش روی این بخش، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. یافته‌های این تحقیق همچنین حاکی از این است که دولت مالزی حمایت مالی قابل توجهی برای توسعه مؤسسات آموزش عالی خصوصی از طریق ارائه مشوق‌ها، وام‌های دولتی و بورس‌های تحصیلی کرده است. اقدامات تضمین کیفیت، توسعه بخش خصوصی را بیشتر افزایش داده است، نظر به اینکه وام‌های دانشجویی و بورس‌های تحصیلی تنها به دانشجویان برنامه‌های معابر ارائه می‌شود، بنابراین مؤسسات آموزش عالی خصوصی دسترسی و برابری را با کمک حمایت‌های دولت افزایش داده است.

سایپیتسین و سایپیتسینا<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان "آموزش عالی خصوصی در روسیه: سرمایه‌گذاری آزاد تحت کنترل دولت"، بیان داشتند که در سال ۱۹۹۲، بر اساس قانون آموزش، نظام تصمین کیفیت برای آموزش عالی بخش خصوصی به کار گرفته شد. این قانون باعث تشویق توسعه آموزش عالی غیردولتی بر اساس امتیازات اجتماعی تقریباً برابر با دانشگاه‌های دولتی شد. نتایج پژوهش اوسوکویا<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) با عنوان "خصوصی-سازی آموزش دانشگاهی در آفریقا: درس‌هایی از نظریه‌ها و اقدامات ایالات متحده امریکا و ژاپن"، حاکی از آن است که مؤسسات خصوصی باید قبل از اخذ مجوز و شروع به عملیات، توسط دولت فدرال اعتبارسنجی شوند. دولت‌های آفریقایی باید بر مؤسسات خصوصی جهت اطمینان از برخورداری از استانداردهای لازم، همچون میزان شهریه‌ها و کیفیت پژوهش و استانداردهای آموزش کنترل و نظارت داشته باشند. همچنین دولت باید به دانشجویان بخش خصوصی همچون بخش دولتی یارانه و کمک‌های مالی و بورسیه پرداخت کند. نتایج مطالعه‌ای که توسط یونسکو در سال ۲۰۰۹ به انتشار رسیده است حاکی از آن است که در پاکستان، کمیسیون آموزش عالی به منظور توسعه آموزش عالی خصوصی از مشوق‌هایی استفاده کرده است که عبارتند از:

۱) واگذاری زمین؛

۲) اعطای اعتبارات به منظور تأسیس و توسعه مؤسسات؛

<sup>1</sup>. Tilak

<sup>2</sup>. Tham

<sup>3</sup>. Suspitsin & Suspitsyna

<sup>4</sup>. Osokoya

- (۳) اعطای اعتبارات به منظور دسترسی به پهنه‌ای باند وسیع اینترنت و دسترسی به کتابخانه‌های دیجیتال همچون بخش دولتی؛
- (۴) معافیت مالیاتی از سود در مراحل اولیه تأسیس؛
- (۵) اعطای اعتبارات جهت حمایت از استخدام اعضای هیأت علمی خارجی و دستیاران پژوهشی<sup>(فیلدن و وارقسه، ۲۰۰۸)</sup>.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور پاسخ به سوالات پژوهش، روش تحقیق در برخی مراحل کیفی<sup>۱</sup> و در برخی دیگر کمی<sup>۲</sup> بوده است. بنابراین در گروه روش تحقیق آمیخته اکتشافی<sup>۳</sup> قرار می‌گیرد. از آنجا که روش‌های تحقیق کمی و کیفی به تنهایی نمی‌توانند پیچیدگی‌های عناصر و اجزای تشکیل دهنده مسائل علوم انسانی و اجتماعی را بدون سوگیری مورد مطالعه قرار دهند، ترکیب این روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته و از آن تحت عنوان روش تحقیق آمیخته یاد شده است. در این نوع پژوهش، محقق در صدد زمینه‌یابی موقعیتی نامعین است.

در این پژوهش، در بخش کیفی پژوهش، پس از بررسی اولیه ادبیات پژوهش و شناسایی برخی از الزامات توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، دسته‌بندی اولیه از بعد این الزامات صورت گرفت و به منظور شناسایی و تکمیل این الزامات مبتنی بر شرایط خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، در قالب انجام یک مورد گروه کانونی<sup>۴</sup>، یا مصاحبه متصرک بر گروه، با مشارکت ۹ نفر از متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و مصاحبه‌های نیمه هدایت شده، اقدام به جمع‌آوری نظرات متخصصان و صاحبنظران آموزش عالی و همچنین دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور شد. پس از انجام مصاحبه‌ها، اقدام به کلک‌گذاری پیام‌های انتقال یافته شد و داده‌ها مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت و با تلفیق پیام‌های مصاحبه‌شوندگان مختلف، برخی از گویه‌های مربوط به ابعاد الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی شناسایی شد. برآیند این بخش با مطالعه مبانی نظری و سوابق پژوهش، منجر به شناسایی و تکمیل الزامات ۷ گانه توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در سطح کلان و تدوین ابزار پژوهش گردید. در بخش کمی به منظور شناسایی اهمیت و وضعیت هر یک از الزامات شناسایی شده در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، به تدوین و

<sup>1</sup>. Fielden & Varghese

<sup>2</sup>. Qualitative approach

<sup>3</sup>. Quantitative approach

<sup>4</sup>. Exploratory mixed method

<sup>5</sup>. Focus group

توزيع پرسشنامه پژوهش در مقایس وسیع تر در بین نمونه هدفمند مشکل از متخصصان آموزش عالی و دست-اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور پرداخته شد.

نمونه این پژوهش در بخش کیفی شامل انجام مصاحبه نیمه هدایت شده و انجام یک مورد گروه کانونی با متخصصان و صاحبظران آموزش عالی و همچنین مصاحبه نیمه هدایت شده با دست-اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور (رؤسا، معاونان، مدیران، اعضای مؤسس، اعضای هیأت امنا و کارشناسان تعدادی از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی کشور) بود. در بخش کمی پژوهش، پرسشنامه به صورت الکترونیکی، پستی و از طریق نمبر برای ۱۸ نفر از متخصصان و صاحبظران آموزش عالی و ۱۵۱ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی در سراسر کشور (از لیست ۳۳۰ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی به ثبت رسیده در اتحادیه دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی ایران که با برقراری تماس با این مؤسسات حدود ۳۳۰ مؤسسه به صورت فعل، مشغول به کار و پذیرش داشجو بودند)، ارسال شد که از این تعداد پرسشنامه ارسال شده با پیگیری‌های مکرر، ۶ پرسشنامه از متخصصان و صاحبظران آموزش عالی و ۹۷ پرسشنامه از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی دریافت شد که در کل نمونه این پژوهش در بخش کمی شامل ۱۰۳ نفر پاسخ دهنده است (جدول ۱).

جدول ۱: تعداد اعضای نمونه در بخش کیفی و کمی پژوهش

تعداد نمونه	نمونه	بخش های پژوهش
۸	مصاحبه با متخصصان و صاحبظران آموزش عالی	بخش کیفی
۱۶	مصاحبه با دست-اندرکاران و مسئولان مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	
۹	لجام گروه کانونی با متخصصان و صاحبظران آموزش عالی	
۶	تعدادی از نفری که پرسشنامه دریافت کرده بودند.	بخش کمی
۹۷	دست-اندرکاران و مسئولان مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	

در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله بر فی به منظور انتخاب صاحبظران و متخصصان آموزش عالی و دست-اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور (رؤسا، معاونان، مدیران، اعضای مؤسس، اعضای هیأت امنا و کارشناسان کلیه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی کشور) و در بخش کمی، در زمینه تکمیل پرسشنامه، هم از شیوه هدفمند و در دسترس در خصوص متخصصان و صاحبظران آموزش عالی و هم از شیوه تصادفی ساده در خصوص مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با بهره گیری از لیست این مؤسسات استفاده شد.

ایزار این پژوهش مشتمل بر ۴۸ الزام کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران در ۷ بعد اصلی (۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، (۲) قانونی، (۳) مالی و اقتصادی، (۴) آموزشی و پژوهشی، (۵) مدیریتی و سازمانی، (۶) اجتماعی و فرهنگی، (۷) زیرساختی بوده است. این پرسشنامه در دو بخش اصلی هم به بررسی میزان اهمیت این الامات کلان در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور (وضعیت مطلوب) و هم به بررسی میزان توجه

به هر یک از این الزامات در فرآیند توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور(وضعیت موجود) پرداخته است. تعداد گویه های مربوط به هر بعد در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. تعداد گویه های ابعاد مختلف پرسشنامه

الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران						
سیاست‌گذاری و راهبردی	قتونی	ملی و اقتصادی	آموزشی و پژوهشی	مدیریتی و سازمانی	اجتماعی و فرهنگی	زیرساختی
۱۲	۸	۸	۴	۱۱	۲	۳

روایی محتواهی پرسشنامه توسط تنی چند از متخصصان و صاحبظران آموزش عالی مورد بررسی و با جرح و تعديل، مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین ضرایب پایابی بخش های مختلف پرسشنامه، در ابتدای امر و در مرحله پایلوت تعداد ۲۵ پرسشنامه در بین جامعه آماری که نمونه پژوهش از آن انتخاب شده است، توزیع و جمع آوری گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده های این پرسشنامه ها، ضریب پایابی کل (آلفای کرونباخ) بخش اول پرسشنامه که به بررسی میزان اهمیت هر یک از الزامات مطرح شده در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران(وضعیت مطلوب) می پردازد برابر با ۰/۹۰۵ و همچنین بخش دوم پرسشنامه که به بررسی میزان توجه به هر یک از الزامات مطرح شده در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران(وضعیت موجود) می پردازد برابر با ۰/۹۴۴ به دست آمده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون خی دو و فریدمان استفاده شده است.

### یافته های پژوهش

به منظور پاسخ به سوال پژوهشی مبنی بر اینکه "الزامات کلان (در سطح دولت و نظام آموزش عالی) تحقق فرآیند توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران کدامند؟"، پس از مطالعه عمیق مبانی نظری و پیشینه پژوهش و تحلیل محتوای مصالجه ها، الزامات شناسابی شده در سطح کلان در هفت بعد اصلی (۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، (۲) قانونی، (۳) مالی و اقتصادی، (۴) آموزشی و پژوهشی، (۵) مدیریتی و سازمانی، (۶) اجتماعی و فرهنگی و (۷) زیرساختی دسته بندی شدند. میزان اهمیت این الزامات در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران (وضعیت مطلوب) و میزان توجه به هر یک این الزامات در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران (وضعیت موجود) از اعضای نمونه در قالب لیزار پژوهش مورد پرسش قرار گرفت. نتایج مربوط به هر گویه در هفت بعد اصلی از طریق آزمون خی دو و در نهایت آزمون فریدمان برای رتبه بندی این الزامات در هر بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به دلیل زیاد بودن تعداد گویه ها، جداول مربوط به آزمون خی دو در این مقاله ارائه نشده است و نتایج نهایی این آزمون آورده شده است. در این بخش به تفسیر گویه های هر بعد از الزامات کلان خصوصی سازی آموزش عالی پرداخته می شود. با توجه به زیاد بودن

تعداد گویه‌ها، در هر بعد به تفسیر آن دسته از گویه‌های پرداخته می‌شود که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان دارای اهمیت زیاد در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران بودند. همچنین آن دسته از گویه‌هایی که در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در کشور مورد توجه کمتری قرار گرفته اند. به منظور بررسی وضعیت این الزامات نسبت به یکدیگر و به لحاظ اولویت در میزان اهمیت و میزان توجه به این الزامات در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در کشور و رتبه بنده این الزامات از آزمون فریمان استفاده شد. آزمون فریمان مربوط به وضعیت مطلوب و وضعیت موجود،<sup>7</sup> بعد اصلی الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در جداول<sup>3</sup> الی<sup>9</sup> ارائه شده است که در این جداول برای هر دو وضعیت، علاوه بر رتبه میانگین، رتبه هر یک از الزامات نیز در پرانتز ذکر شده است.

#### (۱) الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی<sup>۱۲</sup> امور د الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی گردیده‌اند. با توجه به زیاد بودن تعداد گویه‌ها و جداول مربوط به هر گویه از ارائه جداول مربوط به این آزمون که فراوانی مشاهده شده و فراوانی مورد انتظار را به نمایش می‌گذارد اجتناب شده است (جدول<sup>۳</sup>).

جدول<sup>۳</sup> نتایج آزمون فریمان برای رتبه بنده میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی بر توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب		الرامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی
	خی دو	رتبه	خی دو	رتبه	
11	۵۸۶۵ <sup>*</sup> (Sig=0.000)	۵۹۲(۹)	۷۷۰(۱)	۷۷۰(۱)	ثبات و همگنی در اجزای سیاست‌های توسعه خصوصی سازی آموزش عالی
		۵۹۲(۱۰)	۷۹۵(۲)	۷۹۵(۲)	اتخاذ سیاست‌های شفوقی در مقابل تدوین شخص‌های کفی چهت تابلی شاند مؤسسه‌ای آموزش عالی
		۷۱۶(۸)	۷۶۵(۳)	۷۶۵(۳)	حیات سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی تضمین گیرنده و مقلبات دولتی از خصوصی سازی آموزش عالی
		۵۰۸(۱۱)	۷۶۵(۴)	۷۶۵(۴)	تسخیم و هماهنگ در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علم و فرهنگ از خصوصی سازی آموزش عالی
		۷۷۷(۱)	۷۷۶(۵)	۷۷۶(۵)	تأکید برشد آموزش عالی خصوصی در بینه‌ها و سیاست‌گذاری هی کلان توسعه کشور
		۷۴۸(۵)	۷۶۸(۶)	۷۶۸(۶)	پایه مدنیات کلان دولتی به قوه مشارکی آموزش عالی خصوصی در تحقیق اهداف ملی
		۷۲۵(۶)	۷۵(۷)	۷۵(۷)	توسعه آموزش عالی خصوصی مبنی بر آمیش سازمن و میرت ها و یزده مفقده ای
		۷۳۹(۳)	۷۳۹(۸)	۷۳۹(۸)	پایه و اعفانه‌های جایله دولت در راستی توسعه خصوصی سازی آموزش عالی
		۷۳۶(۲)	۷۳۷(۹)	۷۳۷(۹)	توجه به آموزش عالی خصوصی به عنوان مکمل آموزش عالی دولتی از سوی سیاست‌گذاران کلان کشور
		۷۵(۴)	۷۱۷(۱۰)	۷۱۷(۱۰)	پژوهش از متأثر شاند خصوصی سازی آموزش عالی از ملاحظات سیاست
		۵۰۸(۱۲)	۵۹۱(۱۱)	۵۹۱(۱۱)	شفاق سازی قوه و سمه و لطفارات از آموزش عالی خصوصی
		۷۱۹(۷)	۵۱۷(۱۲)	۵۱۷(۱۲)	پل‌تعریف قوه و سمه و لطفارات از آموزش عالی خصوصی سازی آموزش عالی
p<0.05					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب (که برای بررسی معناداری رتبه‌بندی در این آزمون از آماره خی دو استفاده می‌شود) با آماره  $\chi^2 = ۲۳/۵۲۱$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2 = ۵۸/۶۳۵$  در سطح  $0/05$  برای رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

## (۲) الزامات کلان قانونی

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۸ مورد الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان قانونی به جز گویه اول (به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی) در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان قانونی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب		الزامات کلان قانونی
	خنجری	رتبه میانگین	خنجری	رتبه میانگین	
۷	$119/856^*$ $(\text{sign}-0.000)$	۶۱۳(۱)	۶۹/۵۶۰	۵۱۷(۱)	به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی
		۵۲۵(۲)	۶۹/۵۶۰ $(\text{sign}-0.000)$	۵(۲)	تلخی و تصور قلیق و مقررات مخالف با اضطراب اجرایی برای توسعه آموزش عالی
		۳۶۸(۳)		۴/۸۵(۳)	تلخی قوانین و مقررات مخالف در خصوصی ملکیت در آموزش عالی خصوصی
		۴/۱۴(۴)		۴/۷۵(۴)	تلخی قوانین و مقررات مخالف در خصوصی سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی
		۳/۸۵(۵)		۴/۳۳(۵)	تلخی قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشترک ذی‌عین بخش
		۴/۱۲(۶)		۴/۸۵(۶)	تلاش در راستی رفع تلقن و تعارض بین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی
		۴/۵۴(۷)		۳/۸۱(۷)	تلقن و اثر غلطگاهی با خصوصی بودن و ایجاد مشکلات حقوقی و ملکیت
		۴/۴۷(۸)		۳/۶۵(۸)	لحاظ پذیری قلیق و مقررات آموزش عالی خصوصی

\* $p<0.05$

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2 = ۶۹/۸۵۶$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $119/856 = \chi^2$  در سطح  $0/05$  برای رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

### ۳) الزامات کلان مالی و اقتصادی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۸ مورد الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شدند(جدول ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی میزان اهمیت(وضعیت مطلوب) و میزان توجه(وضعیت موجود) به الزامات کلان مالی و اقتصادی بر توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

مرجع آزادی	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب		الزامات کلان مالی و اقتصادی
	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	
۷	۵۸۳۶۱ <sup>*</sup> (sig=0.000)	۴/۸۷(۳)	۵/۰۱۳ <sup>*</sup> (sig=0.000)	۵/۰۸(۱)	اطلاعی وام ها و اختیارات درازمدت با بهره کم با بلا خوض به مظلوم توسعه زیرساخت هادر آموزش
		۴/۲۸(۵)	۴/۸۱(۲)	۴/۸۱(۲)	حمایت های ملی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت بدلی
		۳/۹۳(۸)	۴/۸۹(۳)	۴/۸۹(۳)	اطلاعی اختیارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی
		۴/۳۴(۴)	۴/۵۲(۴)	۴/۵۲(۴)	اطلاعی باره ها و اختیارات دولتی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به آموزش عالی خصوصی متی بر
		۴/۸۱(۳)	۴/۴۹(۵)	۴/۴۹(۵)	اطلاعی تخفیف و بزله در پروتکلت هزینه های جری (همچون آن برق، کلر تلفن و لینترن) در
		۵/۴۲(۱)	۴/۴۷(۳)	۴/۴۷(۳)	اطلاعی وام ها کمک هزینه ها و بروزرسانی های تحصیلی به دانشجویان بخش خصوصی آموزش عالی
		۵/۰۸(۲)	۴/۴۴(۷)	۴/۴۴(۷)	اطلاعی شرکت ها و معاشرت های ملیاتی به آموزش عالی خصوصی
		۴/۰۶(۷)	۳/۵(۸)	۳/۵(۸)	اطلاعی آزادی عمل به آموزش عالی خصوصی در مورد تعین میزان شهریه بر اساس کیفیت خدمات
		*p<0.05			

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2 = 51/033$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2 = 58/361$  در سطح  $0/05$  از نظر رتبه بندی گویه ها به لحاظ آماری معنادار بود.

### ۴) الزامات آموزشی و پژوهشی

نتایج آزمون خی دو نشان داد که در مجموع میزان اهمیت تمامی الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شدند(جدول ۶).

جدول ۶: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان آموزشی و

#### پژوهشی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب		الزامات کلان آموزشی و پژوهشی
	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین	
۳	$\chi^2 = 3878^*$ $\text{sig} = 0.000$	۲/۸۶(۱)	$\chi^2 = 8215^*$ $\text{sig} = 0.042$	۲/۷۲(۱)	اطلاعی آزادی عمل در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی مبنی بر بیانیه‌های مؤسسه آموزش عالی
		۲/۳۴(۳)		۲/۵۲(۲)	اطلاعی آزادی عمل در پذیرش داشتجویان واحد صلاحیت های علمی
		۲/۷۵(۲)		۲/۶۳(۳)	تسهیل فرآیندهای انجامی مجوز رشته های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی
		۲/۰۸(۴)		۲/۳۵(۴)	اطلاعی آزادی عمل در تغییر سرفصل های آموزشی و روزانه محدود آنها
$*p < 0.05$					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2 = 8215$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2 = 3878$  در سطح  $0.05$  از نظر رتبه‌بندی گویه‌ها به لحاظ آماری معنادار بود.

#### (۵) الزامات کلان مدیریتی و سازمانی

بر اساس نتایج حاصل از آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت تمامی ۱۱ مورد الزامات کلان مدیریتی و سازمانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا ارزیابی شده‌اند. همچنین میزان توجه به تمامی الزامات کلان مدیریتی و سازمانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده‌اند (جدول ۷).

جدول ۷: نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان مدیریتی و

#### سازمانی بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب		الزامات کلان مدیریتی و سازمانی
	خی دو	رتبه	خی دو	رتبه	
۱۰	$\chi^2 = 79772^*$ $\text{sig} = 0.000$	۷۸۹(۳)	$\chi^2 = 3378^*$ $\text{sig} = 0.000$	۷۷(۱)	تعیین استانداردها و شاخصهای کلی شخصی و شفاف برای تأسیس و تعیین مؤسسه آموزش عالی
		۴۸۷(۱۱)		۷۵۹(۲)	مشارکت دلن آموزش عالی خصوصی در پردازه ریزی های کلان آموزش عالی
		۷۰۳(۱)		۷۴۲(۳)	ظلت و کول دولت در خصوص رعایت استانداردهای آموزشی موردنیاز آموزش عالی خصوصی در
		۵/۸۶(۷)		۶۳(۴)	قلاب مکبس های تضمین یکت و اختیاری و رتبه‌بندی
		۵/۵۳(۹)		۷۱۲(۵)	کاهش نقش مانعه گری دولت و افزایش نقش حسابی و ظارتی در آموزش عالی خصوصی
		۷/۱۶(۵)		۵۹۳(۶)	تمرکز زلیخی در مانعیت و تضمیم گیری در آموزش عالی خصوصی
		۷۹۶(۲)		۵/۸۳(۷)	فراعم آوردن اطلاعات فنی و مناسب در راستی فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی
		۷/۱۶(۶)		۵/۷۴(۸)	اطلاعی آزادی عمل به هیأت مؤسسه در انتخاب ریاست مؤسسه آموزش عالی خصوصی
		۷۹۶(۴)			از زلیخی سیاست های خصوصی‌سازی آموزش عالی و مقایسه مدل‌های اصلاح و رفع توقیف

		۴۹۶(۱۰)		۵۷۹(۹)	انتخاب شیوه ها و روش های مناسب و جدید خصوصی سازی آموزش عالی توسط میانگینکاران و پرورنده
		۷۱۲(۳)		۵۴۹(۱۰)	تسهیل فرآیند صدور مجوز برای مؤسسات آموزش عالی خصوصی و کاهش بروکراسی های موجود
		۵/۵۷(۸)		۵۳۱(۱۱)	اعطای اسناد اسنادگذاری پیش از آموزش عالی خصوصی
$p<0.05$					

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2 = ۳۲۷۷۶$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2 = ۷۹۶۷۴$  در سطح  $0/05$  از نظر رتبه بندی گویه ها به لحاظ آماری معنادار بود.

### (۶) الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی

بر اساس نتایج آزمون خی دو، در مجموع میزان اهمیت ۲ مورد الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده اند (جدول ۸).

جدول ۸/ نتایج آزمون فریدمن برای رتبه بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی بر توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی					
	وضعیت موجود		وضعیت مطلوب			
	خی دو	رتبه میانگین	خی دو	رتبه میانگین		
۱	۲۷۸۹ (sig=0.101)	۱/۵۵	۲۳۸۱ (sig=0.123)	۱/۵۵	اطلاع رسانی و پจند اعتماد عمومی نسبت به سوابله کالری در آموزش عالی خصوصی	
		۱/۴۵		۱/۴۵	جب مشترکت تعلیمی گروه های ذیفع در فرآیند پرورنده ریزی و توسعه خصوصی سازی آموزش عالی	
$p>0.05$						

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریدمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2 = ۲۳۸۱$  و آزمون فریدمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2 = ۲۷۸۹$  در سطح  $0/05$  از نظر رتبه بندی گویه ها به لحاظ آماری معنادار بود ( $p=0.123$ ) و هر دو گویه از میزان اهمیت و میزان توجه تقریباً یکسانی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ دهنده کان برخوردار بودند.

### (۷) الزامات کلان زیرساختی

نتایج آزمون خی دو همچنین نشان داد که در مجموع میزان اهمیت ۳ مورد الزامات کلان زیرساختی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی ایران، متوسط به بالا و میزان توجه به تمامی الزامات کلان زیرساختی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، متوسط به پایین ارزیابی شده اند (جدول ۹).

جلول ۹ نتایج آزمون فریلمن برای رتبه‌بندی میزان اهمیت (وضعیت مطلوب) و میزان توجه (وضعیت موجود) به الزامات کلان زیرساختی

#### بر توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران

درجه آزادی	وضعیت موجود	وضعیت مطلوب		الزامات کلان زیرساختی
		نحوی دو	رتیبه	
۲	۴/۳۸ (sig=0.098)	۲/۱۲	۸/۸۵ <sup>*</sup> (sig=0.012)	۲/۱
		۱/۹۵		۲/۰۱
		۱/۹۳		۱/۸۸

\*p<0.05

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول، آزمون فریلمن برای وضعیت مطلوب با آماره  $\chi^2=۷/۸۴۵$  در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار بود ( $p<0.05$ ، اما آزمون فریلمن برای وضعیت موجود با آماره  $\chi^2=۴/۳۳۸$  در سطح ۰/۰۵ به لحاظ آماری معنادار نبود ( $p=0.98$ )). که این امر به این معناست که رتبه بندی این سه گویه معنادار نبوده است و هر سه گویه از میزان توجه تقریباً یکسانی در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ دهنده‌گان برخوردار بوده‌اند.

### بحث و نتیجه گیری

با توجه به رشد کمی خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور به دو صورت ۱) خصوصی‌سازی آموزش عالی دولتی در قالب دوره‌های شهریه‌ای همچون شبانه، پیام نور، علمی کاربردی، مجازی و ... و ۲) ورود بخش خصوصی به آموزش عالی در قالب مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی، به منظور موفقیت این تحول در نظام آموزش عالی کشور، نیاز است که همگام با رشد و توسعه کمی، بر توسعه کیفی این فرآیند نیز تأکید شود. به همین منظور دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولیان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران خصوصی‌سازی آموزش عالی در سطح کلان، نیاز است که در ابعاد مختلف پیش‌بایستها و الزامات توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی را فراهم کنند، تا این تحول در ساختار آموزش عالی کشور از موفقیت لازم برخوردار شود. در این پژوهش، بر اساس مطالعه عمیق مبانی نظری و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران در ۷ بعد اصلی ۱) سیاست‌گذاری و راهبردی، ۲) قانونی، ۳) مالی و اقتصادی، ۴) آموزشی و پژوهشی، ۵) مدیریتی و سازمانی، ۶) اجتماعی و فرهنگی و ۷) زیرساختی دسته بندی شدند. اهمیت و میزان توجه به این الزامات در قالب پرسشنامه از اعضای نمونه مورد نظرخواهی قرار گرفت.

الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی. بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول ۳، از دیدگاه اعضای نمونه، الزام «ثبت و هماهنگی در اجرای سیاست‌های توسعه خصوصی سازی آموزش عالی»، دارای بیشترین اهمیت بوده و رتبه اول را در بین الزامات سیاست‌گذاری و راهبردی به خود اختصاص داده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون اسلامتچوا - دارست(۲۰۱۰) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز به عنوان الزامی مهم بر شمرده شده است. با توجه به اینکه، از جمله عوامل تأثیرگذار بر موفقیت هر گونه تغییر و تحولی، ثبات در اجرای سیاست‌های اتخاذ شده مربوط به آن تحول می‌باشد، به منظور توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی، نیاز است که بین سیاست‌هایی که برای این فرآیند اتخاذ می‌شود هماهنگی لازم وجود داشته باشد و با ثبات به اجرای آنها پرداخته شود تا این فرآیند از ضمانت اجرایی لازم برخوردار گردد.

از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، «اتخاذ سیاست‌های تشویقی در قالب تدوین شاخص‌های کیفی جهت تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه» در رتبه دوم از اهمیت در بین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور قرار دارد. در حال حاضر از جمله شرایط تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به دانشگاه، برخورداری از ۳ دانشکده زیرمجموعه این مؤسسات، داشتن طرحی جامع و تصویب توسط هیأت امنا و تأیید شورای گسترش وزارت علوم می‌باشد. این شرایط بر بعد کمیت تأکید دارد و افزایش کمیت لزوماً کیفیت را به همراه نخواهد داشت. اینکه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور صدور مجوز برای تبدیل مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به دانشگاه، صرفاً بر شاخص‌های کمی همچون تعداد دانشکده، رشته، اعضای هیأت علمی و دانشجویان تأکید داشته باشد، نمی‌تواند منجر به رشد بعد کیفیت در این مؤسسات شود. بلکه در نظر گرفتن شاخص‌های کیفی در کنار شاخص‌های کمی، تأثیر بیشتری بر تلاش این مؤسسات در راستای بهبود عملکرد خود خواهد داشت. با توجه به تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده، این الزام به عنوان یکی از الزاماتی که می‌تواند مشوق مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی جهت عملکرد بهتر باشد بیان شده بود که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی باشد تا به ارائه هرچه کیفی‌تر خدمات و انجام رسالت‌های خود پرداخته و بتوانند زمینه‌های تبدیل شدن به دانشگاه را فراهم آورند و از این طریق دارای وجهه بهتری در بین افراد جامعه و در نظام آموزش عالی کشور باشند.

«حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی تصمیم‌گیرنده و مقامات دولتی از خصوصی سازی آموزش عالی» در رتبه سوم از نظر اهمیت در بین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی قرار دارد. این الزام توسط پژوهشگرانی

همچون داکرمال<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) و آرسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) نیز مهم شناخته شده است. اذعان به این نکته که آموزش عالی خصوصی کشور در دل محیط بزرگتر پیرامون خود یعنی نظام آموزش عالی و دولت به عنوان نهادهای تصمیم گیرنده فعالیت می‌کنند، به منظور توسعه کیفی نیازمند حمایت نهادهای تصمیم گیرنده و مقامات دولتی در سطحی بالاتر هستند تا با جلب توجه این سیاست‌گذاران بتوانند از حمایت‌های همه جانبه آنها در توسعه هرچه کیفی‌تر خود بهره جویند.

چهارمین گویه از الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی از نظر اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ‌دهندگان «انسجام و هماهنگی در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی‌سازی آموزش عالی» بوده است. قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود به این مورد اشاره داشته‌اند. هر تغییر و تحولی در صورتی با موفقیت به انجام خواهد رسید که در فرآیند اجرا با عدم هماهنگی و عدم توازن بخش‌های مختلف که با آنها در تعامل است مواجه نشود. خصوصی‌سازی آموزش عالی نیز به عنوان تحولی در نظام آموزش عالی کشور، در صورتی به لحاظ کیفی رشد خواهد نمود که شاهد ناهمهنگی و تضاد بین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری دولت و وزارت علوم نباشد.

پنجمین مورد از مهمترین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی از دیدگاه اعضاي نمونه «تأکید بر رشد آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه کشور» بوده است. نتیجه به دست آمده با نظرات پژوهشگرانی همچون آلمو<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، لوى و زامتا<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، برناسکونی<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) و فیلن و لاروکو<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) همسو بوده است. چنانچه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد در راستای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلان کشور انجام شود، از ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار خواهد بود که این الزام در وضعیت موجود توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی از بیشترین میزان توجه از دیدگاه پاسخ‌دهندگان برخوردار بوده است. در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم و همچنین قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز از توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی حمایت شده است.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۳، «شفاف سازی نقش و سهم و انتظارات از آموزش عالی خصوصی» کمترین رتبه را از نظر میزان توجه در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور به خود اختصاص داده است. این در حالی است که مصالحه‌شوندگان از اهمیت این گویه در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش

1 . Duczmal

2 . Alemu

3 . Bernasconi

4 . Fielden &amp; LaRocque

عالی کشور یاد کرده‌اند و اظهار داشته‌اند که وزارت علوم به طور شفاف و واضح سهم این بخش از آموزش عالی کشور و انتظارات خود از این بخش را بیان نمی‌کند. دومین تا پنجمین گویه از الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی که در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور توجه کمی را به خود اختصاص داده است «انسجام و هماهنگی در بخش‌های مختلف دولت و وزارت علوم در فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی»، «اتخاذ سیاست‌های تشويقی در قالب تدوین شاخص‌های کیفی جهت تبدیل شدن مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه»، «ثبت و هماهنگی در اجرای سیاست‌های توسعه خصوصی سازی آموزش عالی» و «حمایت سیاسی و راهبردی دستگاه‌های اجرایی تصمیم‌گیرنده و مقامات دولتی از خصوصی سازی آموزش عالی» می‌باشد و این در حالی است که همچنان که اطلاعات ارائه شده در جدول<sup>۳</sup> نشان داد، این الزامات به عنوان مهمترین الزامات کلان سیاست‌گذاری و راهبردی توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی از دیدگاه اعضای نمونه تشخیص داده شده بودند. به این ترتیب به وضوح شاهد شکاف بین وضعیت مطلوب در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور یعنی آن دسته از الزاماتی که باید رعایت شود و وضعیت موجود توسعه کیفی این فرآیند یعنی آنچه در عمل در آموزش عالی خصوصی کشور در حال رخ دادن است، هستیم.

**الزامات کلان قانونی.** بر اساس نتایج ارائه شده در جدول<sup>۴</sup>، الزام «به رسمیت شناختن آموزش عالی خصوصی به لحاظ قانونی»، دارای بیشترین اهمیت در بین الزامات کلان قانونی بوده است که از دیدگاه پژوهشگرانی همچون لوی و زامتا<sup>۱</sup>(۲۰۱۱)، سانیال<sup>۲</sup>(۱۹۹۸)، برناسکونی<sup>۳</sup>(۲۰۰۶)، اسلام‌تچوا-دارست(۲۰۱۰)، فراستخواه(۱۳۸۷) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز به عنوان یکی از پیش‌بایست‌های توسعه خصوصی سازی آموزش عالی بیان شده است. این الزام قانونی ازین جهت ازین دیگر الزامات کلان قانونی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است که اجرای هر گونه تغییر و تحولی، زمانی از مشروعیت برخوردار خواهد بود که به لحاظ قانونی مورد تأیید و پذیرش سیاست‌گذاران کلان کشور قرار بگیرد و بر این تحول در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان تأکید شود و خصوصی سازی آموزش عالی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

دومین الزام کلان قانونی از نظر میزان اهمیت در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، «تدوین و تصویب قوانین و مقررات شفاف و با ضمانت اجرایی برای توسعه آموزش عالی خصوصی» بوده است. پژوهشگرانی همچون لوی(۲۰۱۱)، اکچ<sup>۲</sup>(۲۰۰۹)، فیلدن و لاروکو<sup>۳</sup>(۲۰۰۸)،

<sup>۱</sup>. Sanyal

<sup>۲</sup>. Oketch

<sup>۳</sup>. Fielden & LaRocque

وارقسه<sup>۱</sup>(۲۰۰۴)، وونگ سوتورن و وانگ<sup>۲</sup>(۱۹۹۵)، سانیال<sup>۳</sup>(۱۹۹۸)، لوى و زامتا<sup>۴</sup>(۲۰۱۱)، کیم و لی<sup>۵</sup>(۲۰۰۶)، سیوالینگام<sup>۶</sup>(۲۰۰۷)، جانتان و همکاران<sup>۷</sup>(۲۰۰۶)، لی<sup>۸</sup>(۲۰۰۴)، هادیهارداجا<sup>۹</sup>(۱۹۹۵)، پاچاشویلی<sup>۱۰</sup>(۲۰۰۷)، لین<sup>۱۱</sup>(۲۰۱۰)، ملکی<sup>۱۲</sup>(۱۳۸۴)، قورچیان و حیدری<sup>۱۳</sup>(۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری<sup>۱۴</sup>(۱۳۸۹) نیز این الزام را به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی مطرح کردند. این الزام به درستی پس از به رسمیت شناخته شدن خصوصی‌سازی آموزش عالی به لحاظ قانونی، دارای اهمیت تشخیص داده شده است و این امر ناشی از این است که پس از تأیید تغییر و تحول به لحاظ قانونی، نیاز است که قوانین و مقررات لازم برای اجرایی شدن آن تغییر و تحول به گونه‌ای شفاف و به دور از هرگونه ابهام و تضادی تدوین شوند به این دلیل که ضمانت اجرایی و پشتونهای برای تحقق و موفقیت هر گونه تحولی به حساب می‌آیند.

الزام کلان قانونی دیگر که در رتبه سوم اهمیت قرار گرفته است، «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص مالکیت در آموزش عالی خصوصی» است. این الزام از دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده به عنوان یکی از مشکلات اساسی مؤسسات آموزش عالی غیراتفاقی مطرح شد که این امر موجبات دغدغه فکری مؤسسه‌ی این مراکز را فراهم می‌کند و اکثربت مصاحبه‌شوندگان به این مسئله اشاره داشتند که علی رغم سرمایه‌گذاری این افراد در تأسیس این مراکز، قوانین مشخص و شفافی برای مالکیت این مؤسسات تدوین نشده است و در صورت ورشکستگی این مراکز، اموال آنها در مالکیت دولت می‌باشد و همین دغدغه فکری به نوعی موجبات کاهش انگیزه دانشگاهیان و دیگر سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی را جهت ورود به این عرصه فراهم می‌آورد و ترس از دست رفتن سرمایه نیز برای آنها وجود دارد.

چهارمین الزام کلان قانونی به لحاظ اهمیت، «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» بوده است. علاوه بر تدوین قوانین و مقررات مربوط به مالکیت آموزش عالی خصوصی، نیاز است که در سطح کلان به تدوین قوانین و مقررات لازم برای سرمایه‌گذاری در این بخش از آموزش عالی پردازنده گونه‌ای که افاد مشتاق به فعالیت در آموزش عالی خصوصی کشور، از وضعیت

1 . Wongsothorn & Wang

2 . Kim, S. & Lee

3 . Sivalingam

4 . Jantan et al

5 . Lee

6 . Hadihardaja

7 . Pachuashvili

8 . Lane

سرمایه‌گذاری خود در این حوزه آگاهی کامل داشته باشند و بدون ترس از بر باد رفتن سرمایه خود، به فعالیت و سرمایه‌گذاری در این بخش تمایل داشته باشند.

«تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشارکت ذیفعان این بخش»، نیز در اولویت پنجم از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی قرار داشته است. این الزام توسط قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) نیز به عنوان یکی از الزامات توسعه خصوصی سازی بیان شده است. زمانی قوانین و مقررات تدوین شده از ضمانت اجرایی برخوردار خواهند بود که با مشارکت دادن دستاندرکاران و ذیفعان مربوط به آن حوزه تنظیم شده باشند در چنین حالتی، به این دلیل که قوانین و مقررات با شناخت ییشتر تصمیم گیرندگان از انتظارات و مشکلات و موانع و کمبودهای بندهای قانونی موجود تنظیم می‌شود، ضمانت اجرایی ییشتری خواهند داشت و زمینه را برای توسعه آموزش عالی خصوصی فراهم می‌کنند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۴، به لحاظ میزان توجه به الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی، الزامات «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص مالکیت در آموزش عالی خصوصی»، «تدوین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی با مشارکت ذیفعان این بخش»، «تدوین قوانین و مقررات شفاف در خصوص سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» کمترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که این الزامات به عنوان بالهمیت‌ترین الزامات کلان قانونی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی بیان شده‌اند و این در واقع نشان دهنده تفاوت بین آنچه باید باشد و آنچه در عمل رخ می‌دهد است و شکاف بین وضعیت مطلوب و وضعیت موجود به وضوح قابل مشاهده می‌باشد. علاوه بر الزامات ذکر شده از دیدگاه اعضای نمونه، الزامات «تلاش در راستای رفع تناقض و تعارض بین قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی» و «انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات آموزش عالی خصوصی» نیز در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور از توجه کمتری برخوردار بوده‌اند باید به این امر توجه داشت که چنانچه بین قوانین و مقرراتی که تدوین می‌شود همخوانی و هم راستایی لازم وجود نداشته باشد، نمی‌توان توقع داشت که قوانین تدوین شده به عنوان تسهیل کننده خصوصی سازی آموزش عالی به کار گرفته شوند. همچنین با توجه به متغیر بودن شرایط و وضعیت آموزش عالی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران باید به این مسأله توجه داشته باشند که قوانین و مقررات تدوین شده، قطعی و ثابت نیستند بلکه در مواردی ممکن است نیاز به اصلاح و بازنگری داشته باشند و این نکته مستلزم انعطاف‌پذیری قوانین و مقرراتی است که تدوین می‌شوند.

الزامات کلان مالی و اقتصادی. مبنی بر نتایج گزارش شده در جدول ۵، «اعطای وامها و اعتبارات درازمدت با بهره کم یا بلاعوض به منظور توسعه زیرساخت‌ها در آموزش عالی خصوصی» به عنوان بالهمیت‌ترین الزام کلان مالی و

اقتصادی تعیین شده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون مک کوان<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، فیلدن و لاروکو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، فیلدن و چنگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، تام (۲۰۱۱)، هادیهارداجا<sup>۵</sup> (۱۹۹۵)، مک کوان<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) و آراسته و اسفندیاری<sup>۷</sup> (۱۳۸۹) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. با توجه به اینکه اکثریت مؤسسین و دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور، عملتاً دانشگاهیان هستند و این افراد دارای توان مالی کافی جهت سرمایه‌گذاری کلان در تدارک و توسعه زیرساخت‌های لازم و قابل قبول جهت ارائه خدمات کیفی و تحقق اهداف خود نیستند، نیاز به حمایت سطح کلان در قالب حمایت‌های مالی و فراهم آوردن وامها و تسهیلاتی جهت توسعه زیرساخت‌های خود دارد.

دومین الزام کلان مالی و اقتصادی به لحاظ اهمیت داشتن در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور، «حمایت‌های مالی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت یابی» می‌باشد. از دیدگاه مصاحب شوندگان و همچنین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، بخش خصوصی آموزش عالی در صورت حمایت‌های مالی دولت در مراحل ابتدایی شکل‌گیری که قادر به فراهم نمودن تمامی زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری نیستند، قادر به رشد کردن خواهند بود. با حمایت مالی اولیه دولت در مرحله شکل‌گیری این بخش از آموزش عالی، این مؤسسات به نوعی به جای دغدغه مالی داشتن جهت طی کردن مراحل ابتدایی تأسیس و پاگرفتن، می‌توانند بر برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر آموزشی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های هدفمند و دقیق‌تر تمرکز کنند و از ابتدا سنگ بنای آموزش عالی خصوصی را درست جای دهند. مبتنی بر نظر آگاروال<sup>۸</sup> (۲۰۰۷)، محمود<sup>۹</sup> (۲۰۰۸)، بین<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۰)، وارقسه<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۴)، سانیال<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۸)، داکرمال<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۶)، فیلدن و چنگ<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۹)، فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی می‌تواند به شکل‌های مختلفی صورت پذیرد و حمایت مالی دولت به شکل‌های مختلف از مؤسسات آموزش عالی خصوصی امکان پذیر است و منفاتی با خصوصی سازی آموزش عالی ندارد و این امر به این دلیل است که این حمایت‌های مالی عملتاً بلاعوض نیست و به دولت بازگردانده می‌شود. با توجه به اینکه، مؤسسین مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در ایران عملتاً از بین دانشگاهیان می‌باشند و این افراد سرمایه کافی ندارند، دولت می‌تواند با حمایت‌های مالی از این مؤسسات، زمینه‌های اولیه را برای پاگرفتن و رشد آنها فراهم آورد.

1 . McCowan

2 . Fielden &amp; Cheng

3 . Agarwal

4 . Mahmoud

5 . Baine

6 . Duczmal

7 . Fielden &amp; Cheng

«اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی»، سومین رتبه را به لحاظ اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی به خود اختصاص داده است. این الزام از دیدگاه پژوهشگرانی همچون فیلدن و لاروکو<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، آتاباخ و لیوی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، فیلدن و چنگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، یونزawa<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) و مک کوان<sup>۶</sup> (۲۰۰۴) نیز مهم می‌باشد. یکی از ابعادی که در آموزش عالی خصوصی کشور کمنگ است، بعد پژوهشی این بخش از آموزش عالی می‌باشد و این امر ناشی از این است که در این بخش، همچون آموزش عالی دولتی اعتبارات پژوهشی از جانب دولت پرداخت نمی‌شود و به دلیل مشکلات مالی که گریان‌گیر آموزش عالی خصوصی است، بدون حمایت دولت، امکان تقویت کارکرد پژوهشی این بخش وجود ندارد. با توجه به کمبود منابع مالی، دستاندرکاران آموزش عالی خصوصی ناگزیر از هزینه کردن بابت توسعه زیرساخت‌های آموزشی لازم هستند که از عهده این بخش هم ممکن است به درستی برآیند و همین مسئله منجر به فراموشی بعد پژوهشی در مؤسسات آموزش عالی خصوصی می‌شود.

«اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آموزش عالی خصوصی مبتنی بر عملکرد آنها» در رتبه چهارم اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور قرار دارد. این الزام، از نظر پژوهشگرانی همچون لیوی و زاملا<sup>۷</sup> (۲۰۱۱)، فیلدن و چنگ<sup>۸</sup> (۲۰۰۹)، داکرمال<sup>۹</sup> (۲۰۰۶)، سانیال<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۸)، اسپینوza<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۶)، برناسکونی<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۶)، چایی و هونگ<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۹)، کیم و لی<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۶)، اویا<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۴)، هادیهاردادجا<sup>۱۶</sup> (۱۹۹۵)، مک کوان<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۷)، ساسپیتسین و ساسپیتسینا<sup>۱۸</sup> (۲۰۰۷)، پاچاشویلی<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۱) و فراتخواه<sup>۲۰</sup> (۱۳۸۷) نیز مهم می‌باشد. دستاندرکاران آموزش عالی خصوصی بر این باورند که دولت می‌تواند با اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مؤسساتی که دارای عملکرد بهتر هستند، کمک کند و به این صورت هم مؤسسات آموزش عالی خصوصی را تشویق به تلاش برای عملکرد بهتر می‌کنند و همچنین به لحاظ ضعف و مشکلات مالی می‌توانند به آنها کمک کنند.

«اعطای تخفیف و یارانه در پرداخت هزینه‌های جاری (همچون آب، برق، گاز، تلفن و اینترنت) در آموزش عالی خصوصی» از دیدگاه نمونه در رتبه پنجم اهمیت در بین الزامات کلان مالی و اقتصادی در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی قرار دارد. با توجه به محدودیت منابع مالی آموزش عالی خصوصی و با اذعان به

1 . Altbach &amp; Levy

2 . Yonezawa

3 . Espinoza

4 . Chae &amp; Hong

5 . Oba

6 . Pachuashvili

اینکه هزینه‌های جاری این بخش از جمله هزینه‌های بالا می‌باشد، دولت با اعطای تخفیف‌ها و یارانه‌های ویژه می‌تواند از بار مالی این مؤسسات بکاهد تا آنها بتواند در دیگر کارکردهای کیفی خود هزینه کند و از این طریف عملکرد خود را به لحاظ کیفی ارتقا بخشد.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۵، الزامات «اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی همچون بخش دولتی»، «اعطای آزادی عمل به آموزش عالی خصوصی در مورد تعیین میزان شهریه بر اساس کیفیت خدمات و هزینه سرانه واقعی»، «اعطای وامها و اعتبارات درازمدت با بهره کم یا بلاعوض به منظور توسعه زیرساخت‌ها در آموزش عالی خصوصی»، «حمایت‌های مالی دولت از مراکز آموزش عالی خصوصی در مراحل ابتدایی تأسیس و هویت‌یابی» و «اعطای یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آموزش عالی خصوصی مبتنی بر عملکرد آنها» ازین دیگر الزامات کلان مالی و اقتصادی، که از دیدگاه دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی دارای یشترين اهميت و نقش در توسعه کيفي خصوصي سازی آموزش عالی كشور بوده‌اند، در عمل در فرآيند توسعه اين بخش كمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. يكى از مواردي که دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی، نسبت به آن رضایت كافى نداشتند، میزان شهریه‌ای است که برای اين مراکز توسيط وزارت علوم، تحقیقات و فناوري تعیين مى شود که اين شهریه بسیار كمتر از هزینه سرانه واقعی دانشجویان در اين مراکز می‌باشد و با توجه به وابسته بودن درآمدهای آموزش عالی خصوصی به شهریه دریافتی از دانشجویان، در صورت عدم كفاف اين شهریه، اين مراکز جهت تنظیم دخل و خرج خود و جهت دادن به هزینه‌ها و درآمدهای خود، ناگزیر از کاهش کیفیت خدمات خود می‌شوند تا سطح هزینه‌ها را مبتنی بر میزان درآمد پایین آورند.

**الزامات کلان آموزشی و پژوهشی.** مبتنی بر اطلاعات ارائه شده در جدول ۶، «اعطای آزادی عمل و تسهیل در گزینش و جذب اعضای هیأت علمی مبتنی بر نیازهای مؤسسات آموزش عالی خصوصی» دارای یشترين اهميت در بين الزامات کلان آموزش و پژوهشی در توسعه کيفي خصوصي سازی آموزش عالی ارزیابی شده است. بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، يكى از مواردي که برای آموزش عالی خصوصی دارای اهميت بوده است، داشتن آزادی عمل در جذب استادان مورد نياز خود در فرآيندی سريع و با گزینش بر اساس ملاک‌ها و معیارهای مدنظر اين مراکز می‌باشد. که اين الزام بر اساس دیدگاه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه پژوهش نيز به عنوان الزامي مهم شناخته شده است. در حال حاضر، فرآيند جذب استادان در مؤسسات آموزش عالی غيرانتفاعی از طریق وزارت علوم همچون دانشگاه‌های دولتی در حال انجام می‌باشد و این مؤسسات سهم اندکی در انتخاب و جذب هیأت علمی مورد نياز خود دارند.

الزام «اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت‌های علمی» در رتبه دوم به لحاظ اهمیت در بین الزامات آموزشی و پژوهشی قرار داشته است. این الزام، توسط مصاحبه‌شوندگان به عنوان یک عامل تأثیرگذار در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی بیان شده بود که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت. یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور، پذیرش دانشجویان آنهاست. در حال حاضر پذیرش دانشجویان مؤسسات آموزش عالی خصوصی از کانال کنکور سراسری همچون دانشگاه‌های دولتی صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه دانشجویان با نمره‌های علمی بالاتر به دانشگاه‌های دولتی راه پیدا می‌کنند، دانشجویان با نمره علمی پایین‌تر به این مراکز معرفی می‌شوند و در برخی از موارد این دانشجویان از سطح علمی لازم برای شرکت در برخی از رشته‌های سخت برخوردار نیستند و همین امر می‌تواند موجبات افت کیفیت آموزشی این مراکز را فراهم آورد. چنانچه این مؤسسات در پذیرش دانشجویان خود آزادی عمل داشته باشند می‌توانند بر اساس ملاک‌ها و معیارهای خود به جذب دانشجویان اقدام کنند و یا حتی چنانچه امکان تکمیل ظرفیت برای این مراکز و پذیرش دانشجو، خارج از چارچوب کنکور سراسری وجود داشته باشد، این بخش از آموزش عالی می‌تواند به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده به پر کردن صندلی‌های خالی و تکمیل ظرفیت خود پردازند. «تسهیل فرآیندهای اعطای مجوز رشته‌های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی» در رتبه سوم قرار داشته است. بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان و همچنین پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، این الزام می‌تواند به توسعه سریع‌تر مراکز آموزش عالی خصوصی یاری رساند. چنانچه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به این مراکز اجازه راهاندازی رشته‌های تحصیلی مختلف و جدید را بهده، این مراکز می‌توانند با ایجاد تنوع در رشته‌های تحصیلی، دانشجویان بیشتر و بهتری را جذب کنند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۶، الزامات «اعطای آزادی عمل در تغییر سرفصل‌های آموزشی و روزآمد نمودن آنها»، «اعطای آزادی عمل در پذیرش دانشجویان واجد صلاحیت‌های علمی»، «تسهیل فرآیندهای اعطای مجوز رشته‌های تحصیلی مختلف برای آموزش عالی خصوصی» از بین الزامات کلان آموزشی و پژوهشی، در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علی‌رغم اهمیت داشتن این الزامات کلان آموزشی و پژوهشی در توسعه کیفی این فرآیند، ولی در عمل شاهد توجه کمتر به این الزامات در سطح کلان کشور بوده‌ایم. یکی دیگر از نکاتی که توسط دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی مطرح می‌شد این بود که این مراکز امکان تغییر دادن سرفصل‌های دروس رشته‌های مختلف را مبتنی بر نیازهای جامعه و بازار کار با توجه به تغییر و تحولات مستمر علم و دانش در جهان ندارند و بعضاً برخی از این سرفصل‌ها قدیمی و فاقد کارآیی لازم در محیط کار می‌باشند و در آنها هیچ بازنگری ای انجام نشده است.

**الزامات کلان مدیریتی و سازمانی.** مبنی بر نتایج ارائه شده در جلوی ۷ «تعیین استانداردها و شاخص‌های کیفی مشخص و شفاف برای تأسیس و فعالیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی» دارای بیشترین اهمیت در بین گویه‌های کلان مدیریتی و سازمانی توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور بوده است. این الزام در ابتدا توسط مصاحبه‌شوندگان بیان و توسط پاسخ دهنده‌گان به پرسش‌نامه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور بر این باورند که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان نماینده و مجری سیاست‌های کلان دولت در آموزش عالی، برای تأسیس این دسته از مؤسسات آموزش عالی می‌توانند شاخص‌ها و معیارهایی به صورت شفاف مشخص کنند که از ابتدای تأسیس این مؤسسات از یک سطح اولیه کیفیت برخوردار باشد تا در فعالیت‌های خود به مشکل برخورند. سخت‌گیری‌های منطقی و حساب شده از جانب وزارت علوم در اعطای مجوز به مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به منظور توسعه کیفی این بخش در آموزش عالی، از ابتدای کار می‌تواند هم به مؤسسات و هم به وزارت علوم که متولی و برنامه‌ریز اصلی آموزش عالی خصوصی کشور می‌باشد، یاری رساند. تعداد کمتر این مؤسسات با برخورداری از کیفیت قابل قبول، بهتر از رشد کمیت این مؤسسات بدون توجه به شاخص‌های کیفی مورد نیاز آنها می‌باشد.

«مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی» در رتبه دوم به لحاظ اهمیت در بین الزامات کلان مدیریتی و سازمانی قرار داشته است. این الزام توسط زامتا(۱۹۹۲) نیز مهم تشخیص داده شده است. با اذعان به این امر که آموزش عالی خصوصی بخشی از پیکره نظام آموزش عالی کشور می‌باشد، نیاز است در برنامه‌ریزی‌های کلان که برای این نظام انجام می‌شود، مشارکت داده شود. اگر هدف بهبود و ارتقای کیفیت و عملکرد نظام آموزش عالی کشور در کل می‌باشد تمامی ارکان این نظام نیاز است در برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داده شوند تا از ابعاد مختلف باشناخت بیشتر از مسائل و مشکلات هر بخش، برنامه‌ریزی‌های لازم برای بهبود و توسعه انجام شود. به منظور تحقق اهداف متعالی نظام آموزش عالی در کشور، نیاز است که نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و همچنین نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی به عنوان اصلی ترین اجزای محقق کردن اهداف نظام آموزش عالی، در امر برنامه‌ریزی کلان این نظام شرکت داده شوند.

«نظرارت و کترل دولت در خصوص رعایت استانداردهای آموزشی مورد نیاز در آموزش عالی خصوصی در قالب مکانیسم‌های تضمین کیفیت و اعتبارسنجی و رتبه‌بندی» در بین الزامات کلان مدیریتی و سازمانی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور از دیدگاه پاسخ دهنده‌گان رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون لوی و زامتا(۲۰۱۱)، لوی(۲۰۱۱)، اوسوکویا(۲۰۰۷)،

فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، وونگ سوتورن و وانگ(۱۹۹۵)، اسلامتچو- دارست(۲۰۱۰)، آلباخ و لیوی(۲۰۰۵)، داکرمال(۲۰۰۶)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، بالباچوسکی و شوارتزمن<sup>۱</sup>(۲۰۱۱)، کیم و لی(۲۰۰۶)، مک<sup>۲</sup>(۲۰۰۳)، سیوالیگام(۲۰۰۶)، چایی و هونگ(۲۰۰۹)، لی(۲۰۰۴)، ولچ<sup>۳</sup>(۲۰۰۷)، سالسپیتسین و ساسپیتسینا(۲۰۰۷)، پاچاشویلی(۲۰۰۷)، لیم<sup>۴</sup>(۲۰۱۰)، پاچاشویلی(۲۰۱۱)، پraphamontripong<sup>۵</sup>(۲۰۱۰)، آلمو(۲۰۱۰)، فرید و همکاران<sup>۶</sup>(۲۰۰۶)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آرسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز اظهار شده است. آموزش عالی همکاران<sup>۷</sup>(۲۰۰۶)، قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) و آرسته و اسفندیاری(۱۳۸۹) نیز اظهار شده است. آموزش عالی عالی و محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، به طور فراینده ای در بسیاری از کشورها تحت نفوذ «شرایط بازاری» آن هم در عصر فراصنعتی و جامعه دانش قرار گرفته است. تأثیر بازارها در آموزش عالی، شکل پیچیده ای به خود گرفته و مؤسسات آموزش عالی روز به روز خود را هر چه بیشتر در موقعیت رقابتی احساس می کنند. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن، تقاضا برای آموزش عالی در حال افزایش است. اما تقاضای رو به افزایش برای آموزش عالی (چه در سطح اجتماعی و چه در سطح دولت و بنگاه) به نوبه خود ایجاب می کند که متقاضیان، خواهان اطلاعات کافی از آموزش عالی باشند تا بتوانند نسبت به تقاضا محور بودن و مشتری گرا بودن کارکردها مختلف آن اطمینان یابند. در واقع از مؤسسات آموزش عالی انتظار می رود که خود را به صورت شفاف در معرض ارزیابی ذی نفعان قرار بدهند و اطلاعات لازم درباره منابع، فرآیندها، بروندادها و پیامدهای خود را در اختیار آنها بگذارند و پاسخگویانه گزارش بدهند که چگونه عمل می کنند، چگونه هزینه می کنند، از پخششی هزینه هایشان چگونه است و مهم تر از همه آیا آنها ارزش افزوده ایجاد می کنند و چطور؟ مؤسسات آموزش عالی با مسئله ای دووجهی مواجهه اند. از یک سو نیاز به آن دارند که خود را با الزامات محیط متحول بیرونی مطابقت دهند و از سوی دیگر، سازگاری خلاق با تغییرات بیرونی مستلزم تغییر در نحوه نگرش به مسائل درونی (مانند دانشجو، هیأت علمی، کارکنان، فرآیندها، ساختارها، فرهنگ سازمانی، روش ها، الگوها، سبک رهبری، شیوه های تدریس، سطح تحقیقات و تعاملات، کم و کیف خدمات تخصصی) است و اینها همه در یک کلام به همان قضیه کیفیت مربوط می شوند. در طی سال های اخیر، تأکید و تمرکز بر روی «ارزیابی کیفیت» چه به صورت ساز و کار هدایتی (کترلی) و به صورت ساز و کار «بهبود بخشی» به طرز مشخص و آشکار در حال افزایش بوده است. در حال حاضر می توان از یک آگاهی نسبت به ضرورت نهادینه شدن ارزشیابی کیفیت

<sup>۱</sup>. Balbachevsky & Schwartzman

<sup>۲</sup>. Mok

<sup>۳</sup>. Welch

<sup>۴</sup>. Lim

<sup>۵</sup>. Phraphamontripong

<sup>۶</sup>. Fried et al

و اعتبارسنجی در آموزش عالی سخن گفت. تضمین کیفیت آموزش عالی، یک احساس عمومی مشترک در شرایط رقبای روزافزون دنیای امروز به منظور «کاهش عدم اطمینان» می‌باشد (فراستخواه، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت روزافزون تضمین کیفیت و اعتبارسنجی در نظام آموزش عالی، دولت می‌تواند نقش پایشی ایفا کند و برای رشد و بهبود تمامی بخش‌های آموزش عالی به ویژه آموزش عالی خصوصی، مکانیسم‌هایی را برای بررسی وضعیت کیفیت را طراحی کند تا از این طریق به رشد کیفیت در آموزش عالی خصوصی یاری رساند.

«کاهش نقش مداخله گری دولت و افزایش نقش حمایتی و نظارتی در آموزش عالی خصوصی» نیز به عنوان یکی دیگر از الزامات کلان مدیریتی و سازمانی، در رتبه چهارم قرار گرفته است. این الزام توسط پژوهشگرانی همچون آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) و قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) نیز بیان شده است. دولت به جای مداخله در امور آموزش عالی خصوصی، می‌تواند در جایگاه پایشی عمل کند و به آموزش عالی خصوصی به عنوان یک بخش مستقل اجازه فعالیت مستقلانه در چارچوب قوانین و مقررات دهد و خود به پایش فعالیت این بخش از آموزش عالی پردازد به جای اینکه با مداخله‌های نادرست، مانعی بر سر راه فعالیت این بخش به حساب آید.

پنجمین الزام کلان مدیریتی و سازمانی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی، «تمرکزدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی» بیان شده است. پژوهشگرانی همچون اسلامتچوا - دارست (۲۰۱۰)، بالاچوسکی و شوارتزمن (۲۰۱۱)، قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) نیز به این الزام اشاره کرده‌اند. دولت نیاز است با توجه به وجود هیأت امنا و تأیید آنها توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در امر مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی، تمرکزدایی کند تا این بخش از آموزش عالی بتواند در چارچوب قوانین و مبتنی بر وضعیت و شرایط خود به تصمیم‌گیری‌های لازم پردازند و در صورت نیاز به اصلاح و تغییرات، به عنوان یک موجودیت مستقل، دارای استقلال عمل باشند.

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول ۷، الزامات «مشارکت دادن آموزش عالی خصوصی در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی»، «انتخاب شیوه‌ها و روش‌های مناسب و جدید خصوصی‌سازی آموزش عالی توسط سیاستگذاران و برنامه‌ریزان»، «تمرکزدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی خصوصی»، «اعطای استقلال دانشگاهی بیشتر به آموزش عالی خصوصی» و «کاهش نقش مداخله گری دولت و افزایش نقش حمایتی و نظارتی در آموزش عالی خصوصی» به عنوان آن دسته از الزامات کلان مدیریتی و سازمانی که از میزان توجه کمتری در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی برخوردار بوده‌اند بیان شده‌اند. سه مورد از این

الزامات توسط پاسخ‌دهندگان جزء مهمترین الزامات توسعه کیفی این فرآیند به حساب آمده بودند که در شرایط موجود از توجه لازم برخوردار نبوده‌اند.

«انتخاب شیوه‌ها و روش‌های مناسب و جدید خصوصی سازی آموزش عالی توسط سیاستگذاران و برنامه‌ریزان» نیز به عنوان یکی از الزامات کلان مدیریتی و سازمانی که از توجه پایین برخوردار بوده معرفی شده است در حالیکه این الزام از دیدگاه اسلام‌تجوا - دارست(۲۰۱۰) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) مهم تشخیص داده شده است. با توجه به تغییر و تحولات در خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا، نیاز است برنامه‌ریزان و سیاستگذاران خصوصی سازی آموزش عالی در کشور، با بررسی روش‌ها و شیوه‌های جدید خصوصی سازی آموزش عالی در دیگر کشورها و میزان موقیت در این روش‌ها، به انتخاب بهترین شیوه برای خصوصی سازی آموزش عالی کشور با توجه به ویژگی‌ها و شرایط این نظام پردازنند تا از این طریق بتوانند ضمانت اجرایی بیشتری را برای خصوصی سازی آموزش عالی فراهم آورند.

«اعطای استقلال دانشگاهی بیشتر به آموزش عالی خصوصی» در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی کشور نیز از توجه کمتری توسط دست‌اندرکاران برخوردار بوده است. این در حالی است که این الزام از دیدگاه افرادی همچون بلوی و زامتا(۲۰۱۱)، پرافاموتریپونگ(۲۰۱۰)، برناسکونی(۲۰۰۶)، کاساماواتی<sup>۱</sup>(۲۰۱۰)، آتباخ و بلوی(۲۰۰۵)، داکرمال(۲۰۰۶)، محمود(۲۰۰۸)، فرید و همکاران(۲۰۰۶)، اسکات<sup>۲</sup>(۱۹۹۷)، دی آنجلو و کوهن<sup>۳</sup>(۲۰۰۰)، استروم کوئیست<sup>۴</sup>(۲۰۰۶)، ملکی(۱۳۸۴)، تسینیمی و سجادی(۱۳۸۰)، فراستخواه(۱۳۸۷) و آراسنه و اسفندیاری(۱۳۸۹) مهم تشخیص داده شده است. استقلال دانشگاهی از الزامات ساختی و کارکردی دانشگاه است. پیچیدگی تخصصی داشت ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها مستقل باشند. مداخله مراجع بیرونی مانند دولت در دانشگاه، اصل وفاداری به حقیقت علمی در دانشگاه را مخدوش می‌سازد و به اعتبار دانشی که در دانشگاه تولید و آموزش داده می‌شود، لطمه می‌زند. استقلال دانشگاهی، مدیریت خودگردان دانشگاه توسط خود دانشگاهیان تعریف شده است؛ به این ترتیب که دانشگاهیان، خودشان دانشگاه را اداره و خودشان سیستم دانشگاهی را کنترل کنند و تصمیم‌های مربوط به دانشگاه، در درون دانشگاه اتخاذ شود(فراستخواه، ۱۳۸۸، الف).

الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی، بر اساس اطلاعات جدول ۸ «اطلاع‌رسانی و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی» به عنوان یکی از الزامات کلان اجتماعی و فرهنگی از دیدگاه

<sup>1</sup> . Kusumawati

<sup>2</sup> . Scott

<sup>3</sup> . DeAngelo, L. & Cohen

<sup>4</sup> . Strömqvist

پژوهشگرانی همچون مک(۲۰۱۱) و قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز بیان شده است. با توجه به دیدگاه و رویکرد منفی عمومیت افراد جامعه نسبت به بخش خصوصی، در نتیجه چنین رویکردی بر روی اعتماد عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی تأثیرگذار است و با توجه به ماهیت غیرانتفاعی بودن آموزش عالی برخی از سرمایه‌داران تمایلی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی ندارند. این وظیفه سطوح کلان یعنی دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با حمایت از آموزش عالی خصوصی، موجبات جلب اعتماد سرمایه‌داران مشتاق به فعالیت در حوزه آموزش عالی را فراهم آورد تا این افراد علاقمند به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و برداشتن باری از دولت باشند. دومنین الزام کلان اجتماعی و فرهنگی توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی «جلب مشارکت تمامی گروه‌های ذیفع در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی» می‌باشد. این الزام از دیدگاه قورچیان و حیدری(۱۳۸۷) نیز مهم بوده است. با توجه به اینکه مشارکت حداکثری دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی خصوصی مستلزم رشد فرهنگ مشارکت در بین آنها می‌باشد، این وظیفه سطح کلان جامعه یعنی دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان کننده آن در بخش آموزش عالی می‌باشد که به رشد این فرهنگ در بین دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی پیردازد که در برنامه‌ریزی و توسعه این بخش مشارکت حداکثری داشته باشند.

الرامات کلان زیرساختی. مبتنی بر نتایج ارائه شده در جدول ۹، «واگذاری زمین به آموزش عالی خصوصی با قیمت یا اجاره ارزان» در رتبه اول در بین الامات کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت در توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی کشور تعیین شده است. این الزام از دیدگاه پژوهشگرانی همچون فیلدن و لاروکو(۲۰۰۸)، فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹)، کرکس<sup>۱</sup>(۲۰۱۰) و پرافامونتریونگ(۲۰۱۰) نیز مهم بیان شده است. با توجه به اینکه برای تأسیس و شروع به فعالیت هر مؤسسه آموزش عالی خصوصی در ابتدای کار ناگزیر از فراهم نمودن بنای لازم هستند و با اذعان به اینکه عمدتاً سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی، دانشگاه‌هاین هستند و این افراد از سرمایه مکلفی و هنگفت برخوردار نیستند، دولت می‌تواند با حمایت از آموزش عالی خصوصی، با واگذاری زمین با قیمت ارزان تر به این بخش، بخشی از بار مالی این مؤسسات را کاهش دهد تا سرمایه ناکافی آنها بتواند در امور دیگر هزینه شود.

اعطاًی اعتبارات به منظور تدارک پهنانی باند وسیع برای اینترنت و دسترسی به کتابخانه‌های آنلاین و دیجیتال در رتبه دوم در بین الامات کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت قرار داشته است. این الزام از دیدگاه فیلدن و وارقسه(۲۰۰۹) نیز مهم بوده است. با توجه به اینکه در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات به سر می‌بریم،

<sup>۱</sup>. Kerekes

مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیز به منظور دسترسی به منابع علمی جدید ناگزیر به استفاده و توسعه اینترنت به منظور دسترسی به منابع علمی و اطلاعاتی کتابخانه‌های مختلف در داخل و خارج از کشور هستند و با توجه به هزینه‌بر بودن تدارک این الزام زیرساختی، نیازمند حمایت‌های دولت در سطح کلان هستند.

سومین الزام کلان زیرساختی به لحاظ اهمیت « اجازه دادن در استفاده از امکانات دولتی همچون شبکه اینترنت دانشگاهی ملی یا سیستم‌های امانت از کتابخانه ملی همچون بخش دولتی » بوده است. این الزام توسط فیلدن و چنگ (۲۰۰۹) نیز مهم تلقی شده است. با توجه به اینکه دانشگاه‌های دولتی به دلیل قدمت فعالیت، از لحاظ منابع علمی الکترونیکی و کتابخانه‌ها، غنی هستند، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌تواند با همانگی‌های لازم زمینه همکاری بین آموزش عالی خصوصی و دولتی را فراهم آورد تا این بخش از آموزش عالی با توجه به محلودیت‌های خود امکان استفاده از منابع علمی دانشگاه‌های دولتی را داشته باشد.

نتیجه گیری: در مجموع اکثریت ۴۱ الزام کلان در ابعاد ۷ گانه، در توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران از اهمیت متوسط به بالا برخوردار بودند، ولی نتایج حاکی از آن بود که در عمل در فرآیند خصوصی سازی آموزش عالی به این الزامات توجه متوسط به پایینی شده است. به منظور توسعه کیفی این فرآیند در کشور، نیاز است که به مهترین الزامات کلان توجه بیشتری شود و آن دسته از الزاماتی که از میزان توجه کمتری طی دوران رشد کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران برخوردار بوده‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته تا زمینه توسعه کیفی این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی کشور را فراهم آورد. این یک واقعیت است که دولت طی سال‌های اخیر سهم خود را در تأمین اعتبارات آموزش عالی کاهش داده است و ظرفیت دوره‌های روزانه رایگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به شدت کاهش یافته و مناسب با رشد تقاضا برای آموزش عالی، افزایش نیافته است و این امر منجر به ظهر خصوصی سازی آموزش عالی دولتی در قالب دوره‌های شهریه‌ای و رشد بخش خصوصی در آموزش عالی جهت پاسخگویی به تقاضای مازاد آموزش عالی دولتی و رایگان شده است. با توجه به اینکه دولت و مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی کشور، اصلی‌ترین برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی هستند، نیاز است به این الزامات توجه بیشتری داشته باشند و با برنامه‌ریزی در راستای اجرا و کاربست این الزامات، باشد که گامی هدفمندتر در راستای توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی برداشته شود تا این تحول ساختاری در نظام آموزش عالی با شکست مواجه نشود.

#### پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش و آن دسته از الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی که از دیدگاه دست اندرکاران و متخصصان این حوزه، دارای اهمیت بوده است و آن دسته از الزامات که از توجه کمتری در طی اجرای این فرآیند برخوردار، پیشنهادهای اجرایی زیر ارائه می‌شود که چنانچه برنامه ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی کشور در سطح کلان به این الزامات و اجرای آنها بذل توجه داشته باشند، این تحول ساختاری همگام با رشد کمی آن از رشد و توسعه کیفی هم برخوردار خواهد بود.

(۱) دولت و نماینده آن در آموزش عالی کشور یعنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، نقش و سهم و انتظارات آموزش عالی خصوصی را به طور شفاف و بدون ابهام بیان کنند. تا این بخش از جایگاه خود در آموزش عالی کشور به درستی آگاهی یابد.

(۲) سیاست‌های تشویقی جهت تدوین شاخص‌های کیفی برای تبدیل مؤسسات آموزش عالی خصوصی به دانشگاه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اتخاذ شود تا مؤسسات آموزش عالی به دلیل تمایل به تبدیل شدن به دانشگاه در راستای تلاش برای عملکرد بهتر و کسب این شاخص‌ها گام بردارند.

(۳) نیاز است به منظور موقعيت خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور، در اجرای سیاست‌های توسعه این فرآیند، ثبات وجود داشته باشد و همانگی بین بخش‌های مختلف در این زمینه صورت گیرد.

(۴) نیاز است که مسئولین و سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کلان در سطح دولت و نظام آموزش عالی که تصمیم گیرندگان آموزش عالی خصوصی هستند، با تدوین قوانین و مقررات شفاف، دغدغه فکری سرمایه‌گذاران و مؤسسین آموزش عالی خصوصی از علم مالکیت دارایی‌هایشان را برطرف کنند و به این صورت زمینه را برای تشویق سرمایه‌گذاران در آموزش عالی خصوصی در صورتیکه هدف، توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی به لحاظ کمی و کیفی باشد، فراهم کنند.

(۵) نیاز است که به منظور هرچه واقع بینانه بودن و همچنین فراهم شدن زمینه موقعيت خصوصی‌سازی آموزش عالی، قوانین و مقررات مربوط به این بخش از آموزش عالی کشور، با مشارکت ذیفعان مختلف و دست‌اندرکاران آموزش عالی خصوصی کشور تدوین شود.

(۶) در راستای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی و وضعیت دارایی‌های مالی مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیاز است قوانین و مقررات شفاف تدوین شود تا افراد با آگاهی کامل اقدام به سرمایه‌گذاری در این بخش از آموزش عالی کشور کنند.

- (۷) اعطای اعتبارات پژوهشی به مؤسسات آموزش عالی خصوصی می‌تواند زمینه‌ساز رشد کیفی این بخش باشد. دولت و وزارت علوم چنانچه سیاست‌هایی را در این زمینه اتخاذ کنند، بعد پژوهش را در این مؤسسات تقویت خواهند کرد.
- (۸) دولت به مؤسسات آموزش عالی خصوصی کشور به منظور توسعه زیرساخت‌های ایشان، وام‌های بلندمدت با بهره کم اعطا کند.
- (۹) وزارت علوم، در مراحل ابتدایی شکل‌گیری مؤسسات آموزش عالی خصوصی، به دلیل مشکلات و محدودیت‌های مالی از آنها حمایت مالی به عمل آورد.
- (۱۰) دولت در صورت امکان به مؤسسات آموزش عالی خصوصی، مبتنی بر عملکرد آنها، یارانه‌ها و اعتبارات دولتی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اعطا کند.
- (۱۱) به آموزش عالی بخش خصوصی، آزادی عمل داده شود که در صورت نیاز، به تغییر سرفصل‌های آموزشی و به روز کردن آنها پردازند.
- (۱۲) به مؤسسات آموزش عالی خصوصی، اجازه داده شود که در انتخاب و پذیرش دانشجویانی که از سطح علمی لازم برخوردار باشند، نقش داشته باشند نه اینکه محکوم به پذیرش هر دانشجویی با هر سطح علمی از کانال کنکور سراسری باشند.
- (۱۳) به منظور توسعه آموزش عالی خصوصی، فرآیند اخذ مجوز و راهاندازی رشته‌های تحصیلی مختلف در این بخش تسهیل شود.
- (۱۴) با توجه به اینکه آموزش عالی خصوصی بخشی از ذیفعان آموزش عالی در کل به حساب می‌آیند از مشارکت این بخش در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی استفاده شود.
- (۱۵) دولت نیاز است به آموزش عالی خصوصی استقلال دانشگاهی بیشتری اعطا کند و در همین راستا به تمرکز زدایی در تصمیم‌گیری و مدیریت این بخش پردازد.
- (۱۶) دولت و وزارت علوم، تلاش کند که به جای مداخله‌گری در امور آموزش عالی خصوصی، نقش حمایتی و نظارتی در این بخش ایفا کند.
- (۱۷) دولت به عنوان سطح کلان جامعه و وزارت علوم به عنوان سطح کلان آموزش عالی، تلاش کند که با اطلاع‌رسانی دقیق، اعتماد عمومی را برای سرمایه‌گذاری در آموزش عالی خصوصی جلب کند.
- (۱۸) با توجه به مشکلات مالی مؤسسات آموزش عالی خصوصی در بدء تأسیس، دولت زمینه‌هایی را برای واگذاری زمین با قیمت پایین به این مؤسسات فراهم کند.

- (۱۹) دولت به آموزش عالی خصوصی برای توسعه اینترنت و پهنانی باند، اعتبارات لازم را اعطا کند.
- (۲۰) دولت امکان استفاده از شبکه اینترنت دانشگاهی ملی و همچنین کتابخانه ملی را برای آموزش عالی خصوصی فراهم آورد.

## فهرست منابع:

آرسته، حمیدرضا و اسفندیاری، توران(۱۳۸۹). "خصوصی سازی در آموزش عالی". فصلنامه نشاء علم، سال اول، شماره ۱، ۱۱-۲۰.

تسینی، عباسعلی و سجادی، سید مهدی(۱۳۸۰). "قدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی". فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، ۱۵-۴۱.  
دلاور، علی(۱۳۸۲). "مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی". تهران: انتشارات رشد.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۷). "بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران". آموزش عالی ایران، ۹۵-۱۲۲، (۲).

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۸). "استقلال دانشگاهی؛ تحولات مفهومی و چالش های جهانی آن. رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی"، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی. ۳۹۶-۳۶۱. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فراستخواه، مقصود(۱۳۸۸). "دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت". تهران: انتشارات آکادم.

قرچیان، نادرقلی و حیدری کرد زنگنه، غلامرضا(۱۳۸۷). "ارائه مدلی جهت ارتقا و توسعه خصوصی سازی در ایران". پژوهشنامه اقتصادی، ۸، ۲۵۷-۲۱۹.

ملکی، حمید(۱۳۸۴). "تعیین مؤلفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب". پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم تحقیقات.

Agarwal, P. (2007). ‘Private Higher Education in India: Status and Prospects’. The observatory on borderless higher education Woburn House, United Kingdom.

Alemu, D. S. (2010). ‘Expansion vs. Quality: Emerging Issues of For-profit Private Higher Education Institutions in Ethiopia’, International Review of Education, 56, 51–61.

Altbach, P. G., & Levy, D. C. (2005). ‘Private Higher Education: A Global Revolution. Sense Publishers, Netherlands’

Baine, E.M.M. (2010). ‘Privatization of Higher Education in Uganda and the Global Gender Justice Ideal: Uneasy Bedfellows?’’, Educational Review, 62(3), 315–328.

Balbachevsky, E., & Schwartzman, S. (2011). ‘Brazil: Diverse Experiences in Institutional Governance in the Public and Private Sectors’’, W. Locke et al. (Eds.). Changing Governance and

Management in Higher Education (pp 35- 56), *The Changing Academy – The Changing Academic Profession in International Comparative Perspective* 2.

Belfield, C.R., & Levin, H.M. (2002). "Education Privatization: Causes, Consequences and Planning Implications. UNESCO".

Bernasconi, A. (2006). "Does the Affiliation of Universities to External Organizations Foster Diversity in Private Higher Education?", *Chile in Comparative Perspective. Higher Education*, 52, 303–342.

Chae, J-E, & Hong, H. K. (2009). "The Expansion of Higher Education Led by Private Universities in Korea". *Asia Pacific Journal of Education*, 29(3), 341-355.

DeAngelo, L. & Cohen, A. (2000). "Privatization: The Challenge ahead for Public Higher Education". Report-Descriptive, Available at: [http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?\\_nfpb=true&\\_&ERICExtSearch\\_SearchValue\\_0=ED443310&ERICExtSearch\\_SearchType\\_0=no&accno=ED443310](http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED443310&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED443310).

Duczmal, W. (2006). "The Rise of Private Higher Education in Poland: Policies, Markets and Strategies". Ph.D thesis in Universiteit Twente.

Espinosa, O. (2008). "Creating (in) Equalities in Access to Higher Education in the Context of Structural Adjustment and Post-adjustment Policies: The Case of Chile. High Educ", 55, 269–284.

Fielden, J., & Cheng, K. (2009). "Financial Consideration. Bjarnason", S. et al. (Eds). *A New Dynamic: Private Higher Education* (pp 29-49). UNESCO.

Fielden, J., & LaRocque, N. (2008). "The Evolving Regulatory Context for Private Education in Emerging Economies". Discussion paper. The World Bank Group, International Colloquium on Private Education.

Fielden, J., & Varghese, N.V. (2009). "Regulatory Issues. Bjarnason", S. et al. (Eds), *A New Dynamic: Private Higher education* (pp 71-90), UNESCO.

Fried, J., Glass, A., & Baumgartl, B. (2006). "Summary of an Extended Comparative Analysis on European Private Higher Education". *Higher Education in Europe*, 31(1), 3-9.

Hadihardaja, J. (1995). "Private Higher Education in Indonesia: Current Developments and Existing Problems". In proceeding of a Regional Seminar of Private Higher Education in Asia and the Pacific, China, 31 October- 3 November 1995(pp 30-46), Wongsothorn, Tong-In&Yibing, Wang(Eds), Published by UNESCO.

Jantan, M., Chiang, C.H., Shahnon, S., & Sibly, S. (Eds). (2006). "Enhancing Quality of Faculty in Private Higher Education Institutions in Malaysia". Institute Penyelidikan Pendidikan Tinggi Negara.

Kerekes, C.B. (2010). "Privatize It: Outsourcing and Privatization in Higher Education". Hall, J.C. (Ed.). *Doing More with Less: Making Colleges Work Better* (pp. 235-247). New York: Springer.

- Kim, S. & Lee, J.H. (2006). "Changing Facets of Korean Higher Education: Market Competition and the Role of the State". *Higher Education*, 52, 557–587.
- Kusumawati, A. (2010). "Privatisation and Marketisation of Indonesian Public Universities:A Systematic Review of Student Choice Criteria Literature". paperpresented in The Indonesian Student International Conference, Australia, 16-18 July.
- Lee, M. N.N (2004). "Global Trends, National Policies and Institutional Responses: Restructuring Higher Education in Malaysia". *Educational Research for Policy and Practice*, 3, 31–46.
- Levy, D. C. (2011), "Public Policy for Private Higher Education: A Global Analysis", *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 383-396.
- Levy, D.C., & Zumeta, W. (2011). "Private Higher Education and Public Policy: a Global View". *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 345-349.
- Lim, F.C.B. (2010). "Do Too Many Rights Make a Wrong? A Qualitative Study of the Experiences of a Sample of Malaysian and Singapore Private Higher Education Providers in Transnational Quality Assurance". *Quality in Higher Education*, 16(3), 211-222.
- Mahmoud, A.A. (2008). "Challenges Facing the Privatization of Higher Education in the Arab World". In Proceeding of the International Conference, Ahlia University, Kingdom of Bahrain, 3-4 June (pp. 15-20), London, Taylor & Francis Group.
- McCowan, T. (2007). "Expansion without Equity: An Analysis of Current Policy on Access to Higher Education in Brazil". *Higher Education*, 53, 579–598.
- McCowan, T. (2004). "The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality". *Journal of Education Policy*, 19(4), 453-472.
- Mok, K. H. (2003). "Similar Trends, Diverse Agendas: Higher education reforms in East Asia". *Globalisation, Societies and Education*, 1(2), 201-221.
- Oketch, M. (2009). "Public-Private Mix in the Provision of Higher Education in East Africa: Stakeholders' Perceptions". *Compare*, 39(1), 21–33.
- Osokoya, I. O. (2007). "Privatization of University Education in Africa: Lessons from the Theories and Practices of the United States of America and Japan. *International Journal of African & African American Studies*", VI (2), 1-10.
- Pachashvili, M. (2007). "Changing Patterns of Private-Public Growth and Decline: The Case of Georgian Higher Education". PROPHE working paper. Available at: <http://www.albany.edu/dept/eaps/prophe/>.
- Pachashvili, M. (2011). "Governmental Policies and their Impact on Private Higher Education Development in Post-Communist Countries: Hungary", Latvia, Lithuania and Georgia, 1990–2005. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 397-410.

- Praphamontripong, P. (2010). "Public Policy and the Growth of Private Higher Education in Thailand". Kinser, K. et al(Eds), *The Global Growth of Private Higher Education*, Wiley Periodicals, 77-90.
- Sanyal, B. C. (1998). "Diversification of Sources and the Role of Privatization in Financing of Higher Education in the Arab States Region". International Institute for Educational planning/UNESCO.
- Scott, G. (1997). "The Winds of Privatization: A Typology for Understanding the Phenomenon in Public Higher Education". Annual meeting of the association for the study of higher education, Available at: [http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?\\_nfpb=true&\\_&ERICExtSearch\\_SearchValue\\_0=ED415820&ERICExtSearch\\_SearchType\\_0=no&accno=ED415820](http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED415820&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED415820).
- Sivalingam, G. (2006). "Privatization of Higher Education in Malaysia". Published by the Forum on Public Policy, Available at: <http://www.forumonpublicpolicy.com/archive07/sivalingam.pdf>.
- Slantcheva-Drust, S. (2010). "Private Higher Education in Bulgaria: Making a Difference". Kinser, K. et al. (Eds), *The Global Growth of Private Higher Education*(pp 37-50), Wiley Periodicals.
- Strömqvist, H.G. (2006). "Impact of Commercialization and Privatization of Higher Education". ASCI Journal of Management, 36(1), 1-7.
- Suspitsin, D., &Suspitsyna, T. (2007). "Private Higher Education in Russia: Free Enterprise under State Control". European Education, 39(3), 62–80.
- Teixeira P. (2009). " Mass Higher Education and Private Institution". Higher Education to 2030, 2, OECD publication.
- Tham, S. Y. (2011). "Exploring Access and Equity in Malaysia's Private Higher Education". ADBI Working Paper 280. Tokyo: Asian Development Bank Institute, Available at: <http://www.adbi.org/workingpaper/2011/04/19/4513.access.equity.malaysia.higher.educ/>
- Tilak, J. B.G. (2008). "Current Trends in Private Higher Education in Asia. In Proceeding of the International Conference of Privatization in Higher Education", January 7-8, (pp 113-143), Samuel Neaman Press.
- Tilak, J. B.G. (2009). "Private Sector in Higher Education: A Few Stylized Facts. Social Change", 39(1), 1-28.
- Varghese, N.V. (2004). "Private Higher Education". UNESCO.
- Welch, A.R. (2007). "Blurred Vision?: Public and Private Higher Education in Indonesia". High Educ, 54, 665-687.
- Wongsothorn, T., & Wang, Y. (1995). "Private Higher Education in Asia and the Pacific: Final Report". UNESCO PROAP and SEAMEO RIHED.

- Yonezawa, A. (2007). "Japanese Flagship Universities at a Crossroads". *High Educ*, 54, 483–499.
- Zumeta, W. (1992). "State Policies and Private Higher Education: Policies", Correlates, and Linkages. *Journal of Higher Education*, 63(4), 363-417.